



سومین سری از سریال پربیننده «سرزمین مادری» این روزها در حال پخش از شبکه سوم سیماست؛ مجموعه‌ای ماندگار که حواشی برساخته‌ای پخش آن

را نزدیک یک دهه به تعویق انداخت اما استقبال مخاطبان نشان

داد این اثر فراتر از زمان، کیفیت تولید و ویژگی‌های هنری، روایت

منحصربه‌فردی از تاریخ معاصر را ارائه داده است و این‌گونه جهش

قابل‌توجهی در جذب مخاطب را به نام خود ثبت کرده است.

پیشتر با کمال تبریزی، کارگردان سرزمین مادری و بازیگران و

عوامل سریال گفت‌وگوهای متعددی را در جام‌جم خوانده‌اید اما

این بار علی‌اکبر عبدالعلی‌زاده، نویسنده، منتقد و عضو شورای

سردبیری روزنامه در برنامه «جام‌پلاس» پای صحبت‌های محمد

مسعود، تهیه‌کننده سریال نشسته است. محمد مسعود،

تهیه‌کننده سریال‌های ماندگاری چون معصومیت از دست رفته،

هزاران چشم ... از گفت‌وگو گریزان است و در اولین و تنها

گفت‌وگوی رسانه‌ای خود نکات بسیاری را ناگفته‌های سرزمین

مادری را مطرح کرده است که در ادامه می‌خوانید.



۱۹ ویژگی منحصر به‌فردی که می‌توان درباره شما گفت این است که هیچ سابقه، مصاحبه و ردپایی از شما در فضای مجازی وجود ندارد و فقط نام شما به‌عنوان تهیه‌کننده برخی سریال‌ها ذکر شده است. این امر حاصل چه روحیه‌ای است؟

همین‌طور است. واقعیتش از زمانی که در این حرفه هستم و کار کردم، اولین بار است که با جایی گفت‌وگومی‌کنم. نمی‌توانم بگویم بر چه اساس یا با چه روحیه‌ای بوده اما همیشه ترجیح دادم به کار خودم بپردازم. در بحث تهیه‌کنندگی هم تعدادی محدود سریال کار کردم که آخرین آن، سریال «سرزمین مادری» بود.

۲۰ مخاطب ما اگر بدانند که چنانچه‌ای سابقه مطبوعاتی دارید و به لحاظ نسلی، تجربه متفاوتی در حرفه‌های مختلف داشته‌اید، موضوع برایش جالب‌تر می‌شود. شما در ساخت سریال‌های ماندگاری مثل معصومیت از دست رفته و سرزمین مادری نقش موثر داشتید اما می‌خواهم مستقیم سراغ سریال اثرگذار سرزمین صادری برویم. ابتدا بفرمایید چگونه تهیه‌کننده این کار شدید؟

اواخر سال ۱۳۸۶ بود که توسط آقای علی‌اصغر پورمحمدی و محمودرضا

مکت



فرزاد و فرودهای زندگی حرفه‌ای محمد مسعود

از روزنامه رسالت تا سرزمین مادری

جوان بودیم که انقلاب شد و سال ۱۳۶۵ به روزنامه رسالت آمدم. کارم در روزنامه رسالت با آقای محمداکظم انبارلویی از اتاق تلکس شروع کردم و به اصطلاح تلکسچی شدم. در اتاق خبر آقای محمود گبرلو، اکبر نبوی، محمداکظم انبارلویی، سیار پیش‌بهار و سعید فرخی از جمله بچه‌های گروه بودند. آقای سیدعبدا... سیداحمدی زاویه در دوره کرونا فوت شدند.

آقای داوود یحییان نیز عکاس بودند که در آمریکا به رحمت خدا رفتند. من در ادامه قائم‌مقام خبر شدم. محمد صنعتکار آن زمان در روزنامه رسالت دبیر سرویس خارجی بود و آقای فرشیدی وزیر دبیر فرهنگی، فضای روزنامه فضای خیلی دوستانه و برادرانه‌ای بود. در یک مقطعی هم با اکبر نبوی در مجله ویدئوماهواره در مؤسسه رسانه‌های تصویری کار می‌کردم. یک دوره‌ای هم ایشان به سازمان میراث فرهنگی رفت که در آن زمان نیز با ایشان همکاری می‌کردم. البته در آن مقطع انرژی جوانی داشتیم و در سه جا کار می‌کردم. در این اثنا آقای سیار پیش‌بهار، خبرنگار خبرگزاری واحد مرکزی که سال‌هاست کار مجلس را انجام می‌دهد و آن زمان از بچه‌های روزنامه رسالت بود در گرفتن کار کمکم کرد. اولین کار مستقیمی که خودم گرفتم و انجام دادم کاری از سازمان بورس اوراق بهادار بود. در همین میان آقای پیش‌بهار لطف کرد و من را به وزارت نفت معرفی کرد که به شرکت پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران رفتم و با آقای سیدعبدالرسول دشتی در مجموعه روابط عمومی آنجا آشنا شدم، نمایشگاهی داشتند و من باید یک کار را در مدت ۱۲ روز می‌ساختم. لازمه این کار این بود که به مناطق مختلف در اصفهان، اراک، تهران و... برویم که همه تدردها یا هلیکوپتر بود و یک بار هم با همان هلیکوپتر گم شدیم و ماجراهایی داشتیم. چیزی حدود پنج سال با وزارت نفت همکاری کردم و بعد از پنج سال، حدود سال ۱۳۷۷ زمانی که فیلم‌های تله در سیمافیلم ساخته می‌شد به سازمان صداوسیما باگشتم و دو تله به نام «تبعید» و «شبه» را به عنوان تهیه‌کننده ساختم که تبعید پخش و شبه متوقف شد. فرصتی پیش آمد و با آقای کیانوش عیاری آشنا شدم و هزاران چشم را ساختم. در هزاران چشم با یک جماعت جدیدی رفیق شدیم و توقیف نصیبم شد که با آقای حسن توکل نیا آشنا شدم. حسن یک گروهی را با خودش آورد و یکی از بچه‌های آن گروه به من گفت دوست دارید شما را با یک کارگردان بزرگ، یعنی داوود میرباقری آشنا کنیم. گفتم بله! چرا که نه، خیلی هم خوشحال می‌شوم. ارتباط برقرار شد و جلسه‌ای حضوری داشتیم اما ایشان دعوت کرد و گفت به خانه ما بیايید که رفتیم و کم‌کم خیلی خودمانی شدیم. این دوستی ادامه پیدا کرد. یک شب ایشان را با خانواده دعوت کردم و در رستوران «نمکدون» هتل لاله دور هم نشستیم که نتیجه‌اش سریال معصومیت از دست رفته شد و نهایتا در ادامه مسیر با کمال تبریزی نیز به سریال سرزمین مادری رسیدیم.

کتاب «بلندای آسمان وطن» خاطرات خلیان آزاده جانباز، امیرسرتیپ قاسم محمدامینی به قلم میرعمادالدین فیاضی در انتشارات سورهمهر به چاپ رسید.سرتیپ امینی یکی از چهره‌های سرشناس نیروی هوایی ارتش است که بعد از پایان جنگ تحمیلی و در عملیات برون مرزی به اسارت نیروهای عراقی درآمد و همراه امیر سرلشکر خلیان حسین لشگری جزو آخرین اسرای آزادشده جنگ محسوب می‌شود.سرتیپ

خاطرات خلبان آزاده در «بلندای آسمان وطن»

تخشید که مدیران وقت شبکه سه بودند، برای همکاری در تهیه این سریال دعوت شدم. البته این موضوع یک سبقه‌ای داشت، من دنبال کاری به نام «سفر هفتم» با آقای داوود میرباقری بودم و ضمنا در آن مقطع آقای رضاجودی، تهیه‌کننده مستقل سریال «سرزمین کهن» بودند که به‌دلایلی انصراف دادند و آقای پورمحمدی و تخشید من را برای انجام این کار دعوت کردند. سال ۱۳۸۶ مذاکرات اولیه صورت‌گرفت و اوایل ۱۳۸۷ کارهای اداری آن انجام شد. در همان زمان توافقی با آقای تبریزی انجام شده بود. آقای طالب‌زاده هم به عنوان نویسنده مشخص شده بود و جلساتی برگزار شد تا کار شکل بگیرد و برج دو سال ۱۳۸۷ بود که به‌طور رسمی دور هم جمع شدیم و پیش تولید را شروع کردیم. در روزهایی که کار به من سپرده شده بود، آقای طالب‌زاده ۲۶ قسمت از متن را نوشته بودند.

۱۹ یعنی فصل اول...

بله، فصل اول بود اما من سعی کردم به فرم خود نوشته شروع کنم. خاطرم هست که پیش‌تولید را خیلی سریع آغاز کردم و برج سه همان سال با خانه اردکانی کار را کلید زدیم و دقیقاً عین نوشته‌ها پیش رفتیم.

۲۰ این خانه در واقع خانه پدرخوانده رهی بود؟

بله کار را از آنجا شروع کردیم و بعد، خانه ناصر قصاب و بعد خانه اقدس الملوک را گرفتیم که آخری حجم بیشتری داشت و مرکز نقل کارمان شد و نهایتا در خانه اقدس الملوک مستقر شدیم.

۲۱ می‌توان گفت تهیه‌کنندگی این سریال اولین کار شما با این ابعاد وسعت بود.

بله همین‌طور است. بعد از این‌که مسئولیت را پذیرفتم، متن را مطالعه کردم تا بدانم شرایط پروژه

به چه شکل است. اگر دقت شود در سرزمین مادری در هر فاز، یکی از لوکیشن‌ها مرکز نقل حوادث قصه است. در فاز یک، میدان بهارستان؛ فاز دوم، حسینیّه زواره و در فاز سوم، دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۷ مکان اصلی بود. دانشگاه تهران در فاز سوم مثل میدان بهارستان در فاز یک، در شهرک غزالی ساخته شده بود.

۲۲ یکی از جذابیت‌های این سریال - در مقایسه با دیگر سریال‌های مشابه در نمایش خانگی- نزدیکی روایت



امینی پس از آزادی برخلاف سایر هم‌زمان‌شان که بازنشسته شدند، در راه به روزرسانی دانش خود همت گمارد و مدارج عالی نظامی را در سمت‌های مختلف فرماندهی تا جانشینی، نیروی هوایی ارتش طی کرد.میرعمادالدین فیاضی، نویسنده اثر مصاحبه خود با امیرسرتیپ امینی را از اردیبهشت ۱۳۹۵ در ساختمان حوزه هنری آغاز کرد و نهایتا کتاب تا پایان آذر ۱۳۹۸ نهایی شد. بلندای آسمان وطن در چهار بخش اشاره،

به واقعیت و ایجاد فضای بصری گویاست؛ نوعی ویژگی که سریال را از یک درام معمولی اجتماعی عبور می‌دهد و به یک سند تاریخی برای مخاطب عام تبدیل می‌کند. روایتی که به نظرم آن قدر کارآمد و به‌روز است که اگر در زمان خودش پخش می‌شد، ممکن بود خیلی از وقایع اجتماعی ما از اتفاقات گذشته تا اغتشاشات اخیر را تحت تأثیر قرار دهد. این آگاهی‌بخشی در واقع از پشت صحنه بازی‌های سیاسی خبر می‌دهد اما می‌خواهم به یکی از مهم‌ترین اتفاق‌های این سریال اشاره کنم که همان تعطیلی و توقیف معنادار سریال است. سوالی که دارم این است وقتی فیلمنامه را می‌خواندید، خودتان متوجه حساسیت و مشکلات احتمالی برای سریال شدید؟

بله. ضمن این که در جلسات متعددی با دوستان همکار درباره آن صحبت شد، قبل از این‌که کار به من سپرده شود. بعدها در صورت جلسات دیدم - در سال ۱۳۸۴ و در صورت جلساتی که تنظیم شده، درباره این موضوع اخطارهایی داده شده بود که اگر فلان اسم حذف شود یا یک عنوان دیگر نباشد بهتر است اما به‌هر دلیلی انجام نشده بود و من هم بی اطلاع بودم. بعداوقتی مجدداً خواستیم شروع کنیم، به خصوص در فاز یک که خیلی راجع به آن صحبت نشد و من دیگر کارهای سنگین آن بودم. شاید الان بتوانم بگویم خیلی به آن نیندیشیده بودم تا این‌که کار انجام شد و بعدا در پخش دچار مشکلاتی شدیم.

۲۱ تاریخ پرافتخار قوم بختیاری در بستر تاریخ ایران ملو از حماسه و جانفشانی ساکنان این اقلیم برای وطن است. آیا لازم نبود در پرداختن به این مقطع تاریخی در ارتباط با این قوم سلحشور دقت بیشتری

صور گیرد؟

بله این مقطع تاریخی مهم و ارزشمند است و نیاز به دقت و حساسیت بیشتری در به تصویرکشیدن آن بود، البته شخصیت قصه ما یعنی رهی اردکانی که بعدها متوجه می‌شویم نوه اقدس است، شخصیت محوری و مثبت قصه است. در واقع ما این‌طور به آن نگاه می‌کردیم که پیش‌برنده تمام حوادث و ماجراهای سیاسی رهی اردکانی که به نوعی رهی بختیاری است خواهد بود. واقعا هم این تصور را درباره‌اش نداشتیم که ممکن است باعث سوءتفاهم شود، چون هیچ‌وقت شخصیت رهی اردکانی را منفی ندیدیم.

۲۲ حس ما هم در رسانه این بود که موضع‌گیری صورت گرفته، آن هم با آن شدت و گستردگی طبیعی نیست و انگار نمی‌خواستند و نمی‌گذاشتند آتش این اتفاق خاموش شود. تصور این بود که در سریال گونه‌ای از آگاهی‌بخشی اتفاق می‌افتد که ممکن است دست جریان اصلی و سابقه‌دار نفوذ یا استعمار را رو کند و به همین دلیل، این اعتراض که به شکل یک حرکت پز هیمنه ظاهر شد، طبیعی نبود. آیا دلایل چنین اتفاقی را برای شما بیان می‌کردند؟ یا در آن موج اول که بسیار پرشتاب بود، اساسا و به‌طور روشن می‌دانستید ماجرا چیست؟

خیر.

۲۳ سؤال هم نمی‌کردید؟

نه! چون من خیلی درگیرش نبودم. این تصور ذهنی را نداشتیم و به همین دلیل خیلی کنکاش نمی‌کردم. تصور من این بود که در قسمت سه، یعنی رابطه خواهر و برادری جواد اردکانی، اقدس الملوک و دیالوگ‌های بین آنها و عنوان قوم و عکسی که در سکانس بود، باعث شد که این اتفاقات بیفتد. برای

همین به کینه قضایا فکر نمی‌کردیم که چرا قرار است اما وقتی اتفاق افتاد حوادثی را به دنبال داشت که واقعا مایه تاسف بود.

۲۴ برای اولین بار در این سریال، نوعی جریان‌شناسی سیاسی اتفاق افتاد که شما به لحاظ نسلی از آن آگاهی داشتید. یعنی تهیه‌کننده و کارگردان جوان و تازه‌کار نبودند که بخواهند کاری درباره گذشته‌ای بسازند که خودشان در آن حضور نداشتند. این جریان‌شناسی بسیار امر مهمی است. همان‌طور که در یک جمله جعلی گفته می‌شود «ما ملتی هستیم که صبح درود به مصدق گفتیم و ظهر نشده، مرگ براو گفتیم، این مسأله در این سریال آشکار بیان شده که مشخص می‌کند روند پراساختگی این روش یا

مقدمه، خاطرات و تصاویر نگارش شده و شرح زندگی راوی از کودکی، خانواده، سخت‌کوشی‌ها و فرصت‌هایی است که امیرسرتیپ امینی در زندگی خود تجربه کرده است. دو ایچکت موفق راوی، بررسی عوامل پیشرفت پروازی اود طول خدمت، چگونگی جان سالم به‌در بردن از خطرهای پروازی زمان جنگ و صلح و ارتقای مقام عالی نظامی از موضوعات دیگری است که در کتاب به آنها اشاره شده است.



مسلط هستند و ابزار مدیریت افکار عمومی‌شان همین تحریف است. به‌نظر می‌رسد جرم اعلام نشده سریال سرزمین مادری این بود که خیلی از این تحریف‌ها را گام به گام عیان، اصلاح و تلاش کرد تصویر روشنی از حقایق را ارائه کند. شاید بتوان گفت برای اولین بار و در اتفاقی خیلی عجیب در یک سریال درباره نقش بهائیت در حوزه اجتماعی صحبت شده است. در حالی‌که سابقه و روایت‌های متعدد این جریان به‌گونه‌ای است که هرکدام ظرفیت تبدیل به یک سریال جذاب و مفصل دارند و مادر بخش‌های دیگر هم این را در سرزمین مادری می‌بینیم. مثل نگاه شبه‌مذهبی که پدر همسر رهی دارد و هیچ‌وقت درباره آن صحبت نکردیم. امروز وضعیت ما به‌گونه‌ای است که حتی آنهايي که در دهه اول انقلاب درباره این جریان کتاب نوشتند، جرات نمی‌کنند بیایند مقابل دوربین بنشینند و یک پاراگراف از آن را تکرار کنند. یعنی سرزمین مادری در مسائلی وارد شده است که راز مگو و بخش ناگفته ماجراست.

این در واقع هنر آقای علیرضا طالب‌زاده و زحمات اوست. من مجری کار بودم و شناخت او را از این مسائل نداشتم. به‌نظرم همه اینها مدیون زحمات آقای طالب‌زاده است.

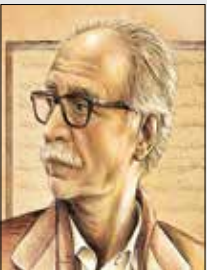
۲۵ این از فروتنی شماست چون فیلمنامه‌هایی با محتوای مشابه و با هدف آگاهی‌بخشی وارد فاز تولید شده‌اند اما در نهایت محصول خروجی آن به ضد خودش تبدیل شده است.

کار ما نوعی کار جمعی است اما آنچه من و آقای تبریزی انجام دادیم، براساس زحمات آقای طالب‌زاده بوده است. آقای تبریزی تمام هم و غم خود را گذاشت که کوتاهی در حق متن نویسنده صورت نگیرد. در واقع حاصل زحمات جمع همکارانی که در کنارمان بودند - در جلو و پشت دوربین - باعث شد سرزمین مادری تولید شود.

۲۶ می‌توان گفت با نمایش این سریال، محصولی دیگر به‌خاطره جمعی مخاطبان در زمینه آثار تلویزیونی اضافه شد. محصولی مانند آثار شاخص دهه‌های گذشته چون سرداران، ابن سینا و... که ظرفیت دارد بارها دیده و تماشا شود.

نشست

نکوداشت هشتادمین زادروز محمود عابدی



در هشتادمین زادروز محمود عابدی، استاد پیشکسوت دانشگاه خوارزمی، محقق، مصصح و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، آیینی با عنوان «مقام محمود» برگزار خواهد شد. این برنامه ساعت ۱۱ چهارشنبه ۳ مرداد در تالار دکتر شهیدی فرهنگستان برگزار می‌شود و طی آن غلامعلی حدادعادل، علی‌اشرف صادقی و مسعود جعفری‌جزی درباره خدمات علمی سخنرانی محمود عابدی سخنرانی خواهند کرد. محمود عابدی (زاده ۱۳۲۳) عضو پیشین هیات علمی گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی و مدیر گروه تصحیح متون در فرهنگستان است. وی دانش آموخته زبان و ادبیات فارسی در مقاطع کارشناسی (۱۳۵۴)، کارشناسی ارشد و دکتری به ترتیب از دانشگاه‌های اصفهان و دانشگاه تهران است. رساله دکتری وی تصحیح انتقادی نفعات‌الانس جامی بود که در سال ۱۳۷۱ به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی ایران نیز شناخته شد.

پیشخوان

انتشار یک رمان نوجوان با موضوع انقلاب



انتشارات کتاب جگرمان، رمان «جادویرست» به قلم سیده فاطمه موسوی را برای نوجوانان منتشر کرد. این کتاب، رمانی با موضوع انقلاب و در مورد پسر نوجوانی به اسم فرید است که در خانواده‌ای ناهنجار زندگی می‌کند. ماجراهای این رمان در زمان پهلوی دوم می‌گذرد. این رمان نبرد بین فرید و اژدهای ترسناکی است که او را تسخیر کرده. اژدها از اساطیری می‌آید و نماد شر است. همه ما درون خودمان خیر و شر داریم و انسان موجودی است که اژدهایی درونش وجود دارد و در نبرد خیر و شر یکی پیروز می‌شود. فرید هم بعد از آشنایی با نوجوانی انقلابی به نام مجید، تصمیم می‌گیرد با این اژدها مبارزه کند.

این کتاب در زائر فانتزی نوشته شده و مخاطبان نوجوان می‌توانند سفری به دل تاریخ داشته باشند. در بخشی از متن کتاب می‌خوانیم: با این‌که دستم را توی جیب سوراخم فروبرده بودم و کنار مجید، مصطفی و رحیم راه می‌رفتم، باز هم خیالم راحت نبود. حس می‌کردم قرار است احمد و مسعود از کنج دیوار یا پشت تیر چراغی بیرون بپرند. دستم را از جیبم بیرون بیاورند و همه چیز را افاش کنند. آن وقت می‌توانستند زهرشان را بریزند...